



فرشته شانه راست در حال نگارش
اعمال سفید، مأخذ: محمودی، ۱۳۹۰:
۱۴۵



کارگردشاسی تحلیلی سقانفارهای مازندران بر اساس مضامین تزئینات با رویکرد ادبیات تعلیمی

علی اصغر کلانتر*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۶

صفحه ۷۱ تا ۸۷

چکیده

ادبیات تعلیمی در طول تاریخ کارکردی وسیع داشته و به موضوعات مختلف اخلاقی، مذهبی، پند و اندرز، سیاست و ... پرداخته است. محتوای آثار تعلیمی به تناسب شرایط اجتماعی، هویت فردی و توانایی‌های آفریننده شکل گرفته است. «سقانفار» سازه‌ای بومی و مذهبی در مازندران است که متأثر از تحولات اجتماعی - سیاسی انتهای دوره صفویه و قاجار پدید آمد. نوع اولیه این سازه چوبی در مزارع و در مجاورت منازل مسکونی برای نگهداری از محصولات ساخته می‌شد و در مسیر تبدیل شدن به سازه‌ای تعلیمی و مذهبی دچار تغییراتی گردید که به آن کارکرد و معنای تازه‌ای بخشید. هدف این پژوهش بررسی زمینه‌های شکل‌گیری، اهداف ساخت و مخاطبان سقانفارها جهت شناخت علت ساخت آنها بوده است. سؤال پژوهش این است که میزان ارتباط بین نقوش مذهبی و غیر مذهبی با آموزه‌های تعلیمی چقدر بوده است؟ فرضیه پژوهش آن است که هدف اصلی سازندگان سقانفارها، ایجاد یک سازه تعلیمی با هدف انتقال آموزه‌های اخلاقی بوده و از این رو تزئینات با رویکرد تعلیمی انتخاب و اجرا شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و کارکرد نقوش به کاررفته بر اساس محتوای آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بر اساس موضوع، تزئینات در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی قرار می‌گیرند که در آنها مضامین مشابه یا متفاوت ارائه شده است. تحلیل آمارهای استخراج شده نشان می‌دهد از نظر کمی از موضوعات مذهبی بیش از موضوعات غیرمذهبی استفاده شده است. مضامین مشترک مورد استفاده به ترتیب بیشترین حضور در تزئینات عبارت‌اند از «شجاعت»، «جوانمردی»، «جهاد و شهادت یا مبارزه با ظلم» و «عدالت» که همه آنها آموزه‌های تعلیمی هستند. نسبت استفاده از مضامین مشترک در گروه تزئینات غیرمذهبی بیشتر از مذهبی است. بر این اساس به نظر می‌رسد علت اساسی شکل‌گیری و همچنین گسترده‌ترین کارکرد عمومی سقانفارها، جنبه تعلیمی آنها بوده و هنرمندان مضامین مورد نظر را با استفاده متنوع از روایات مذهبی و تاریخی بیان کرده‌اند. سایر کارکردهای عبادی و آیینی، در سایه کارکرد تعلیمی معنا پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

معماری مازندران، ادبیات تعلیمی، سقانفار، تزئینات معماری.

Email: a.kalantar@umz.ac.ir

*استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، شهر بابلسر، استان مازندران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بیشتری دارند، بصورت هدفمند برای ارائه در مقاله انتخاب و بعنوان نمونه در متن ارائه شده است. نمونه‌های مذکور عبارتند از سقائفارهای آرمیج کلای بابل، آهنگر کلای قائمشهر، اسپیی کلای کریم کلای بابلسر، بایی کلای بندپی غربی بابل، تلیگران لاله آباد بابل، جزین امامزاده عبدالله فریدونکنار، حمزه کلای شش پل بابل، خشکرو رودبست بابلسر، رمنت بابل، شرمه کلا رودبست بابلسر، شباده بندپی غربی بابل، علی آباد بابلسر، علی آباد سرخود محمودآباد، فولادکلای رودبست بابلسر، ولیک رودبست رودبست بابلسر، قرآن تالار بابلکنار بابل، نوایی محله بابلسر، نوایی کلای لاله آباد بابل، کاردرگر کلای بابلکنار بابل، کاری کلا رودبست بابلسر و سقائفار کيجا در حمزه کلای بابل. با توجه به هدف و رویکرد پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تطبیقی و شیوه همسنجی لنزی انجام شده تا ارزیابی تأثیر اهداف «مذهبی» و «تعلیمی» در شکل‌گیری و کارکرد اجتماعی سقائفارها ممکن گردد.

پیشینه تحقیق

مطالعه درباره سقائفارهای مازندران پیشینه زیادی ندارد. محمد اخگری و ابراهیم امیرکلایی در مقاله‌ای با عنوان «سقائفار یادمان سنتی و مذهبی مازندران» مروری توصیفی بر تزئینات سقائفارها انجام داده و نقوش را در ساحت معنا مورد ارزیابی قرار داده‌اند. پژوهش دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، مقاله «بررسی تأثیر تفکرات شیعی در کاربست نقش اژدها در آثار هنری ایران» از راضیه نایب زاده و صمد سامانیان اشاره کرد. در این پژوهش به چرایی استفاده از نقش اژدها بعنوان یک نگاره شر و مذموم در برخی آثار پرداخته شده است. در بخشی کوتاهی از مقاله به حضور نقش مایه اژدها در سقائفار اشاره شده و ریشه آن در باورهای عرفانی و نهایتاً ارتباط آن با آب معرفی شده است. جابر عناصری در مقاله «تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران» به بررسی رابطه همبستگی میان گسترش تشیع و شکل‌گیری سازه‌های مذهبی همچون تکیه، حسینیه و سقائفار پرداخته و بواسطه مطالعه نمادها این موضوع را پیگیری کرده است. غلامحسین معماریان و احمد پیرزاد در مقاله «نگاهی به معماری بومی سقائفارها» با نگاه سازه‌ای به بررسی عوامل و سنن معماری بومی مؤثر در شکل‌گیری سقائفارها پرداخته‌اند که بیانگر ارتباط میان معماری بومی مازندران و مذهب تشیع است. فتانه محمودی در رساله دکتری با راهنمایی محمود طاووسی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۰ با عنوان: بررسی مضامین تصویری هنر دوره قاجار در نقوش سقائفارهای مازندران نخستین تحلیل جامع مضمونی از نقش مایه‌های بکار رفته در سقائفارها را ارائه کرده و تزئینات را با نگاهی تحلیلی به زمینه اجتماعی دوره قاجار، مورد واکاوی و ریشه یابی قرارداد کرده است. پژوهش دانشگاهی دیگری که

زندگی روستاییان در مجاورت زمین‌های مرطوب شالیزار سبب شکل‌گیری سازه‌های چوبی دوطبقه‌ای گشته است که نمونه‌های آن را می‌توان در نقاط مختلف جهان مشاهده کرد. این سازه‌های چوبی هم کارکرد استراحتگاه داشته و هم برای نگهداری شبانه از محصولات کشاورزی بکار می‌روند. در مازندران این سازه با نام «نفار» یا «نپار» شناخته می‌شود. سقائفارها در حقیقت نفارهای مزارع بومیان مازندران هستند که تغییر کاربری یافته و در تحولی معنی‌دار با حفظ ویژگی‌های بومی، به ارائه‌ی مضمون، کارکرد و زیبایی‌شناسی جدیدی می‌پردازند. کاربرد چشمگیر تزئینات تازه‌ای که پیشینه مشخصی در منطقه ندارند، از این بنا یک اثر شاخص ساخته است. اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، کاربرد اصلی بنا در مناسبت‌های مذهبی برای انجام کنش‌های مذهبی است، اما نگاه دقیق‌تر به تعاملات اجتماعی مرتبط با این بنا و همچنین موضوعات و مضامین استفاده شده در تزئینات، نشان دهنده اهمیت کارکرد تعلیمی آن است. رویکرد این پژوهش در بررسی کارکرد سقائفار، در ساحت ارزشیابی و سنجش آثار و آنگونه که در نظریه کارکردگرایی (Functionalism) مطرح می‌شود نیست، بلکه این جستار در ساحت شناختی به مطالعه مقوله مورد نظر خود می‌پردازد. هدف پژوهش حاضر بررسی زمینه‌های شکل‌گیری، اهداف ساخت و مخاطبان سقائفارها جهت شناخت علت ساخت آنها بوده که بواسطه مطالعه زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری، جامعه مخاطبان و موضوعات و مضامین بکاررفته در تزئینات سقائفارها انجام شده است.

سوال اصلی تحقیق عبارت است از: میزان ارتباط بین نقوش مذهبی و غیر مذهبی با آموزه‌های تعلیمی چقدر بوده است؟ تصحیح پیش‌فرض‌های گذشته درباره کارکرد اجتماعی و مذهبی سقائفار ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش را مشخص می‌کند و با کمک به سایر پژوهشگران برای انتخاب رویکرد درست در پذیرش، تصحیح و تکمیل پژوهش‌های پیشین اهمیت پیدا می‌کند.

روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای از جامعه آماری پژوهش که تزئینات سقائفارهای بخش مرکزی مازندران بوده است گردآوری شده است. این پژوهش براساس ماهیت مطالعه‌ای، کیفی است و مسأله آن شناخت کارکرد اصلی سقائفار بوده است.

نقوش بدست آمده از ۲۱ سقائفار که در آنها تزئینات قابل بررسی وجود داشته، در سیزده گروه طبقه‌بندی شده و از هر گروه دارای آثار مشابه، یک نمونه شاخص که دارای کیفیت بصری بهتر بوده و یا آسیب کمتری دیده و وضوح



معنوی مولانا و آثار ناصر خسرو و امام محمد غزالی در دوره اسلامی اشاره کرد.

سقانفار / سقاناتالار مورد مطالعه در این مقاله، بخش بالایی سازه‌های چوبی دو اشکوبه‌ای هستند که بر روی چهارپایه قطور چوبی به فرم چهارگوش، فضایی کوچک را در حریم برخی امامزاده‌ها، تکیه‌ها و گورستان‌های مازندران به خود اختصاص داده‌اند. بهرامی (۱۳۷۱: ۳۴) معتقد است نام کهن این بنا «نپار» (Nepār) است. نپار از دو جزء «نپ» (Napa) و «آر» (ār) تشکیل شده است. نپ واژه‌ای اوستایی و ریشه در فرهنگ دوران ودایی دارد و از نام ایزد آب‌ها در دوره‌ی «ریگ‌ودا» که ایزد «آپم نپات» (āpam Napāt) بوده مشتق شده است. «نپ» یا «نپت» در واژه‌ی اوستایی به معنی آب و مایع است. نمونه این واژه در پارسی امروز در کلمه‌ی «نوه» که همان «فرزندزاده» است مشاهده می‌شود. «نپ» در واژه‌ی «نپار» به معنی آب و «آر» مخفف و کوتاه شده‌ی واژه‌ی «آورنده» است. اما در مورد «سقانفار»، به نظر می‌رسد درست‌تر آن باشد که بخش اول کلمه را (سقا) یک دلالت و پیشوند مکانی بدانیم و بدین نحو «سقانفار» یعنی «نفاری که جایگاه سقا می‌باشد». در این صورت علت نامگذاری سازه با این ترکیب، ریشه‌ی دقیقتری پیدا می‌کند. در عمل نیز، در این مکان (طبقه اول سازه) تنها آب و چای برای پذیرایی حاضرین استفاده می‌شود.

بنا بر شواهد تاریخی و نظر پژوهشگران، سابقه ظهور «سقانفار» در منطقه مرکزی مازندران احتمالاً به انتهای حکومت صفویه و رشد و فراگیری آن به دوران قاجار باز می‌گردد^۱. در نسخ‌های مکتوب پیش از ۱۵۰ سال قبل، اطلاعاتی از وجود چنین سازه‌ای به چشم نمی‌خورد. اما تاریخ نوشته‌های روی سازه‌ها بر این نکته تأکید دارند که بناهای مذکور در دوره‌ی قاجار تا انتهای حکومت ناصرالدین شاه ساخته شده‌اند. از آنجا که شیوه اجرای نقوش به طور مستقیم از نقاشی قهوه خانه‌ای الگو برداری شده است و نیز به سبب مشابهت فراوان مضامین و بیشتر نقوش بکار رفته در این ابنیه با کتب چاپ سنگی دوران قاجار (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۵۷)، می‌توان یقین کرد تاریخ پیدایش این سازه از زمان مذکور فراتر نرود و این تاریخ قطعی به نظر می‌رسد. لذا ابتدای قاجاریه (انتهای سده ۱۲ هجری) را می‌توان آغاز جریان ساخت سقاناتالار در مازندران مرکزی دانست. دوره اوج و افول این جریان نیز همزمان با حکومت قاجار است و پس از آن، نمونه پرکاری که بتوان آن را در زمره نمونه‌های شاخص به حساب آورد به چشم نمی‌خورد.

نقوش و تزئینات جزء لاینفک سقاناتالار هستند. کاربرد رنگ‌های خالص و درخشان، شمایل‌های تصویری و انتزاعی، احساسات نمایان و تأثیرگذار، ارائه‌ی اشکال نوین حجمی در شیرسرها و کوماچه‌سرها، روایت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، ارائه خیره‌کننده‌ی فضاها، مثبت و منفی،

در این زمینه و در همان دانشگاه تربیت مدرس انجام شده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد وحید یوسف‌نیا پاشایی با عنوان پیمایشی بر نقوش روی شیرسر و کوماچه سر در سقاناتالارهای مازندران به راهنمایی محمود طاووسی در سال ۱۳۸۵ است. یوسف‌نیا در این اثر، اولین و کامل‌ترین بررسی ساختاری اجزای سقاناتالار و ریشه‌یابی دقیق تاریخ و واژگان مرتبط با آن را انجام داده است. به نظر می‌رسد اولین اثری که باب مطالعه در زمینه این آثار را گشوده است، کتاب سقاناتالارهای مازندران وجهی از معماری آیینی باشد که توسط معصومه رحیم‌زاده در سال ۱۳۸۲ توسط پژوهشگاه و اداره‌ی کل میراث فرهنگی کشور منتشر شده است. این اثر نخستین و جامع‌ترین منبع معرفی و ارائه تزئینات بکاررفته در سقاناتالارها است. رحیم‌زاده در این اثر نخستین دسته‌بندی مضمونی و تصویری از نقشمایه‌ها را ارائه کرده و آن را بخشی از هنر مذهبی معرفی نموده است. بررسی پیشینه فوق و پژوهش‌های انجام شده نشانگر آن است که موضوع مقاله حاضر ضمن قرارگیری در امتداد مطالعات پیشین و با دارا بودن مورد مطالعاتی مشابه، در هدف و فرضیه با هیچ کدام از آنها همپوشانی نداشته و دستاوردی تازه به شمار می‌رود.

مروری بر مبانی نظری

«ادبیات تعلیمی» از قدیمی‌ترین انواع ادبی است که در آن به بیان مسائل گوناگون مرتبط با هدف آموزش اصول اخلاقی و پند و اندرز پرداخته می‌شود. در این آثار، دانشی برای خواننده تشریح می‌شود یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی به شکل ادبی عرضه می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷). ادبیات تعلیمی در مقام بیان، شامل دستورالعمل‌هایی بوده که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته‌اند. اما در معنای عام به اثری «تعلیمی» گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و ... است. ادبیات تعلیمی، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین گونه‌ها؛ بخش مهمی از میراث ادبی را تشکیل می‌دهد (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۵). برای این نوع ادبی، دو خاستگاه در نظر گرفته شده که یکی در من هنرمند یا نویسنده به عنوان «خاستگاه درونی» قرار دارد و دیگری برخاسته از اجتماع و گفتمان‌های غالب در آن به عنوان «خاستگاه بیرونی» می‌باشد (همان: ۶۸). در این پژوهش، به تزئینات به مثابه متون تصویری نگاه شده است. میلر نقاشی‌ها را متونی تصویری می‌داند که حاوی پیامی برای مخاطب می‌باشند. او معتقد است واژه، خواه مکتوب و تصویری، خواه زبانی و رسانه‌ای، جهت خلق مفاهیم، تبادل آرا و اندیشه هاست. اما زبان را برای انتقال مفاهیم کافی نمی‌داند (۱۹۷۰: ۲۶). از آثار برجسته تعلیمی در ادبیات ایران می‌توان به کتاب «آیین نامک» در قبل از اسلام، و قابوس‌نامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس، حدیقه ثنایی، بوستان و گلستان سعدی، مثنوی

۱. سعید سلیمانی نمونه‌ای از این بنا را گزارش می‌دهد که در یکی از سفرهای پژوهشی خود در بخش لفور سوادکوه به آن برخورد نموده و به لحاظ ابعاد بنا و قطعات، دارای ویژگی‌های معماری صفوی بوده و اثر پس از آگیری سد لفور در آب‌های پشت سد مدفون گردیده است (گفتگوی شفاهی: اسفندماه ۱۳۹۰).



تصویر ۱- امام حسین (ع) بر بالین علی اکبر، مأخذ: محمودی، ۱۳۹۰: ۱۳۳.

همه و همه حکایت از خلاقیت و تکنیک بسیار بالای هنری سازندگان این آثار دارد. آنگونه که عناصری نیز به آن اشاره می‌کند نقاشی‌های سقائفارها عامیانه‌اند (۱۳۶۶: ۱۹۸) و بر مبنای تخیلات نقاش و گفته‌ها و نوشته‌های تاریخی و افسانه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند. رنگ آمیزی نقوش و شخصیت‌ها بیانگر شناخت هنرمندان از مبانی اصول هنری، فرهنگی و مذهبی است. کاربرد رنگ‌های روشن و شفاف و عدم نمایش چهره‌ی معصومین در مقابل کاربرد رنگ‌های پرکنتر است تیره و قرمز برای افراد گنه‌کار، کافران و دشمنان اهل بیت از ویژگی‌های نقاشی‌هاست. پرهیز از سایه روشن در رنگ آمیزی و پرهیز از پرسپکتیو طبیعی در طراحی از دیگر ویژگی‌های تصویری عمومی این سازه می‌باشد.

موضوعات و مضامین (آموزه های) تصویری سقائفارها

در این پژوهش واژه‌های «موضوع» و «مضمون یا آموزه» در تمامی تحلیل‌ها بکار رفته است. «موضوع» عبارت است از داستان یا عنصری که در تزئینات قابل مشاهده است و «مضمون» یا «آموزه» - که در یک معنا به کار برده می‌شوند - محتوای اصلی موضوعی است که تصویر شده‌است. بعنوان مثال در نگاره‌ای با موضوع حضرت ابوالفضل (ع)، مضامین جوانمردی، ایثار و وفای به عهد روایت می‌شود. علیرغم پراکندگی جغرافیایی، سقائفارها دارای نقشمایه‌ها، موضوعات و مضامین تقریباً مشترکی هستند. در یک دسته بندی موضوعی می‌توان نقشمایه‌های مورد استفاده را در دو گروه «مذهبی» و «غیرمذهبی» جای داد. ترکیب «غیرمذهبی» در اینجا به معنای تقابل با مذهب نیست، بلکه به آثاری اشاره دارد که «موضوع» مذهبی ندارند. این نقوش از تنوع بسیاری برخوردارند که زندگی روزمره شامل نقوش انسان در حال کار و شکار و بازی، نقوش اسطوره‌ای و حماسی چون نبرد رستم و دیو، ضحاک ماردوش، داستان‌ها و موجودات کهن و سخنگو، حیوانات خارق العاده یا ماوراء طبیعی و حتی داستان‌های عاشقانه‌ای همچون کندن کوه توسط فرهاد از آن جمله‌اند و از متون کهن ادبی و حماسی مانند شاهنامه‌ی فردوسی، کلیله و دمنه، قابوسنامه، لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد گرفته شده‌اند. موضوعات هم‌عصر هنرمند همچون شاهان قاجار و سربازان ارتش نیز در تزئینات به چشم می‌خورد. انتخاب موضوعات بگونه‌ای است که مضامین و آموزه‌های تربیتی، فضایل اخلاقی و مذهبی همواره تکرار می‌شود.

موضوعات و نقوش مذهبی سقائفارها مربوط به خاندان پیامبر اسلام، حادثه کربلا، جهان آخرت و در ارتباط با پاداش و مکافات اعمال آدمی و ملائک مرتبط با باروری، حاصلخیزی و بارش باران است (جدول ۱). اولین دسته بندی مربوط به این تصاویر توسط رحیم‌زاده (۱۳۸۲) انجام

شده‌است که با نگاهی «شخصیت محور» و در چهارچوب «موقعیت»، این نقوش را در گروه‌های زیر قرار داده‌است: الف) نقوش مربوط به پیامبران مانند حضرت محمد (ص) سوار بر بُراق، حضرت یونس (ع) در کام ماهی، حضرت سلیمان (ع) نشسته بر تخت در حالی که انبوهی از حیوانات و پرندگان و همچنین دیوها در خدمت او حاضرند. ب) نقوش مربوط به امامان معصوم مانند تصاویر حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و حضرت سجاد (ع).

ج) نقوش مرتبط با خاندان پیامبر اسلام خاصه در پیوند با حادثه کربلا و قهرمانان آن حماسه عظیم. بخش عظیمی از نقوش امامان، مربوط به تصاویر خاندان پیامبر اسلام در پیوند با حادثه کربلا و قهرمانان آن حماسه عظیم می‌باشد. در این دسته از نقاشی‌ها بیشترین نقش‌مایه متعلق به حضرت ابوالفضل (ع) است.

سایر تصاویر دارای موضوعات مذهبی که در گروه‌های بالا قرار نمی‌گیرند را می‌توان در گروه‌های مصورسازی وقایع تاسوعا و عاشورا، سرنوشت بندگان در روز قیامت/ روز جزا، فرشتگان و ملائک، خوشنویسی، نقوش گیاهی و نقوش هندسی جای داد.

مصورسازی وقایع تاسوعا و عاشورا از موضوعات اصلی تزئینات سقائفارها می‌باشد. این اماکن با حوادث باشکوه کربلا و یاد قهرمانی و رشادت «حضرت ابوالفضل (ع)» در قیام عاشورا گره خورده‌اند. تکرار و روایت این حادثه، ترویج سجایای اخلاقی برتر خاندان عصمت و یادآوری جانفشانی‌های آنان برای حفظ دین و آرمان‌های ظلم ستیزانه کاروان ۱۴ معصوم است. برخی از نقوش همچون خیمه‌های آتش گرفته و در حال سوختن، اجساد بی‌سر، زاری بازماندگان بر سر کشته شدگان، حرکت کاروان اسرا به کاروان سالاری شیرزن تاریخ اسلام حضرت زینب (س) و ... به حوادث بعد از عاشورا اشاره دارد. اما موضوعی که بسیار مورد علاقه تصویرگران این سازه‌های چوبی قرار گرفته، حماسه فداکاری‌های حضرت



تصویر ۲- گناه کاران در حال انتقال به جهنم، مأخذ: محمودی، ۱۳۹۰: ۱۴۷.

میان نقوش فرشتگان؛ تصویر عزرائیل، جبرئیل، اسرافیل و میکائیل بیشتر به چشم می‌خورد (تصویر ۳).
 برای اشاره به اهمیت خوشنویسی در دین اسلام و تشیع، می‌توان به توصیه حضرت علی (ع) به عبیدالله بن ابی رافع درباره نحوه زیبانویسی اشاره کرد (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۵: ۵۴۷). خوشنویسی عبادتی است که مشاهده آن ابتدا به «ذکر» تصویری در چشم، و سپس درک محتوای آن در عقل و دل می‌انجامد. زکری که تنها خدا آن را می‌شنود و بر اساس کلام امام باقر (ع) بالاترین زکرها شمرده می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۸: ۳۲۲). در سقائفارها، متون مقدس معمولاً در فضای زیرین سقف و دور از دسترس قرار دارد تا از آسیب دین و یا لمس شدن بدون طهارت و وضو در امان بمانند. محبوب‌ترین متون عربی بکاررفته در خوشنویسی آیاتی از سوره‌های قدر، یس و آیت الکرسی هستند. از متون فارسی، آنچه بیشتر استفاده شده است، ابیات ترجیع‌بند معروف محتشم کاشانی در مورد واقعه کربلا با مطلع «باز این چه شورش است»، و نیز اشعاری در وصف رشادتهای حضرت ابوالفضل (ع) است (تصویر ۴).
 نقوش گیاهی تزئینات سقائفارها عمدتاً تجریدی هستند. منشأ الهام هنرمندان در خلق این آثار، انگاره‌های مثالین آنها است. درخت سرو که هم در فرهنگ ایرانی نمادی از آزادگی، جوانی و طراوت می‌باشد و هم در تشیع، نمادی از جوانی، رشادت و دلیری حضرت علی اکبر (ع)، از

ابوالفضل (ع)، بعنوان نماد و دربردارنده آموزه شجاعت، گذشت و جوانمردی است که تا آخرین لحظه بر سر عهد خود باقی‌ماند (تصویر ۱). تصویرگری سرنوشت بندگان در روز قیامت/روز جزا بر اساس آیات، روایات و احادیث از موضوعات مذهبی مکرر مورد استفاده قرار گرفته در تزئین سقائفارها به شمار می‌رود. این تصاویر از لحظه مرگ تا ورود به بهشت و جهنم و بهره‌مندی از نعمات و عذاب‌های ناشی از اعمال دنیوی بندگان را شامل می‌گردد. لحظه حضور «نکیر و منکر» بر جنازه مردگان، لحظه مشاهده پرونده اعمال، انسان‌های گناهکار در جهنم در حالی که بوسیله ملکه‌های عذاب به سوی محل عذاب برده می‌شوند، اشخاص بهشتی و فرشتگانی که عمل‌پذیری از نیکوکاران یا عقاب بدکاران را بعهد دارند، محتوای این دسته از تصاویر هستند (تصویر ۲).

فرشتگان و ملائک بعنوان مجریان اوامر خداوند متعال در زندگی پس از مرگ، یکی دیگر از موضوعات مورد استفاده در سقائفارها می‌باشند. این افراد مافوق انسانی با نام‌های «ملک حجاب»، «ملک دارای زمین»، «ملک باران»، «ملک رحمت»، «ملک عذاب»، «اصرافیل با شیپور»، «ملک با ترازوی عدالت»، «ملک شهر لوط» و ... تصویر شده‌اند. ملائک تاجی به سر داشته و اجزا صورت آنها درشت‌تر از حد معمول است. دلالت‌های ضمنی این تصاویر اغلب با ذکر نام و القاب آنها در کنارشان آشکار می‌شود. در



تصویر ۴- نُه چرخ بود پایه ایوان ابوالفضل، مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان مازندران، ۱۳۹۵



تصویر ۳- فرشته شانه راست در حال نگارش اعمال سفید، مأخذ: همان.

رفته بر روی سقائفارها دارای موضوعات غیرمذهبی می‌باشد (جدول ۲). این عنوان دلالت بر موضوعاتی دارد که هدف آنها صرفاً بیان وقایع و موضوعات مذهبی نبوده و سایر مسائل اخلاقی، بومی، اسطوره‌ای یا زندگی روزمره را در بر می‌گیرد. این موارد شامل داستان‌های کهن شاهنامه، وقایع روز زندگی هنرمند و صور بروج فلکی است. حماسه‌ها شامل داستان‌های اساطیری، ملی، مذهبی و پهلوانی؛ مضامین غنایی شامل عاشقانه‌ها و مرثیه‌ها؛ مضامین داستانی شامل حکایت‌های عرفانی، قصه‌ها، افسانه‌ها، عقاید عامیانه و فابل‌ها (حیوانات سخنگو)؛ زندگی روزمره و حقایق تاریخی همچون مراسم، بازی‌ها، جنگ‌های تاریخی، چهره‌ی شاهان و رزم سربازان ارتش قاجار از این جمله‌اند.

داستان‌های حماسی روایت شده از کتب شاهنامه فردوسی و اشعار نظامی انتخاب شده‌اند. به نظر می‌رسد تأثیر مستقیم کتب چاپ سنگی و پرده خوانی‌های متداول در قهوه‌خانه‌های دوره‌ی قاجار و نیز پرده خوانان سیار سبب چنین تصویرگری‌هایی باشد. داستان‌های اسطوره‌ای، زبانی نمادین و کنایه‌ای در بیان آمال کهن مردمان دارند. اگر اسطوره را زبان کهن آدمیان و شیوه مؤثر آموزش اخلاقیات بدانیم؛ بازنمایی آنها به تبیین هدف غایی زندگی برای مخاطبان خواهد انجامید. فردوسی در شاهنامه به بازآفرینی داستان‌های اساطیری با زبان زمان خود پرداخت تا جنبشی در اجتماع سرخورده و آسیب دیده پیرامون خویش ایجاد کند. بازآفرینی آن تصاویر در ۱۰ قرن بعد، می‌تواند بیانگر تکرار شرایط و تلاش اندیشمندان برای ایجاد خیزشی دوباره در اجتماع باشد. پیوند این موضوعات و مضامین با زندگی روزمره‌ی مردم، می‌توانست به شکوفایی ارزش‌های اخلاقی و انسانی منجر شود. هنرمند تصویرگر با گزینش هدفمند و بازآفرینی تصویری اسطوره‌ها می‌کوشد هم آموزگار اخلاقیات و

موضوعات شاخص گیاهی است. نقوش هندسی به شکل لوزی‌ها، مربع‌ها، دایره و اشکال متقاطع از دیگر عناصر تزئینی بنا می‌باشند که گاه دلالت بر عناصر بیرونی دارند و گاه معنای بیرونی شناخته شده ندارند. حوض کوثر از جمله‌ی این نقوش است که بصورت یک لوزی با دید از بالا تصویرگری شده‌است. برای بررسی دقیق‌تر محتوای نقوش مذهبی، جدول شماره ۱ و نمودارهای شماره ۱ و ۲ تهیه شده‌است. داده‌های جداول ذیل از ۲۱ سقائفار مورد مطالعه استخراج شده‌است.

داده‌های جدول ۱ و نمودارهای ۱ و ۲ بیانگر آن هستند که آموزه «شجاعت» با حضور در ۸ دسته موضوعی از تزئینات، ۱۹ درصد موضوعات بکاررفته در تزئینات مذهبی را به خود اختصاص داده و در جایگاه اول قرار دارد. همینطور آموزه «جوانمردی» با حضور در ۶ دسته موضوعی از تزئینات و اختصاص ۱۴ درصد از موضوعات در مرتبه دوم قرار دارد. پس از این دو مورد نیز آموزه‌های «جهاد و شهادت (مبارزه با ظلم)» و «زندگی پس از مرگ» با حضور در ۸ دسته موضوعی از تزئینات، هرکدام ۹ درصد موضوعات بکار رفته در تزئینات را به خود اختصاص داده و در مرتبه سوم قرار دارند. از آنجا که مفهوم «جهاد و شهادت» معادل مذهبی در نقوش اساطیری نداشته، اما ماهیت یکسانی با «مبارزه با ظلم» دارد، به همین دلیل در جدول ۲ و نمودارهای ۱ و ۲، به همراه «مبارزه با ظلم» ذکر شده تا در تحلیل‌های ادامه پژوهش، پراکندگی ایجاد نشود. این عمل در نمودارهای ۳ و ۴ بطور عکس انجام شده‌است. سایر مضامین نیز ۴۹ درصد باقی مانده نقوش را به خود اختصاص می‌دهند. بررسی جایگاه مذهبی آموزه‌ها نشان می‌دهد از ۱۴ مضمونی که از تصاویر استخراج شده‌است، فقط مضمون جهاد، واجب می‌باشد و سایر مضمون‌ها از جمله امر به معروف، نهی از منکر و ایثار، مستحب هستند. مضامین و نقوش غیرمذهبی دسته دیگر نقوش بکار



جدول ۱. روایت‌ها، موضوعات و مضامین در تزئینات مذهبی، مأخذ: نگارنده.

نام گروه	بیشترین روایت‌ها/نمونه‌ها	بیشترین موضوعات	پیام‌ها و مضامین
نقوش مربوط به پیامبران	نقاط برجسته زندگی پیامبران	حضرت محمد(ص) سوار بر بُراق	معراج، زندگی پس از مرگ
		حضرت یونس(ع) در کام ماهی	معراج، صبر، عبادت
		حضرت سلیمان(ع) نشسته بر تخت	عدالت، حکمت و دانش
نقوش مربوط به امامان معصوم	نقاط برجسته زندگی	حضرت علی(ع)	جوانمردی و آزادی
		امام حسن(ع)	صبر
		امام حسین(ع)	شجاعت، جهاد و شهادت معادل یا مبارزه با ظلم، جوانمردی و آزادی
		حضرت سجاد(ع)	صبر، شجاعت
نقوش مرتبط با خاندان پیامبر اسلام	یادآوری حوادث محرم	امام حسین(ع)	شجاعت، جهاد و شهادت معادل یا مبارزه با ظلم، جوانمردی و آزادی
		حضرت ابوالفضل(ع)	شجاعت، وفاداری، ایثار
مصورسازی وقایع تاسوعا و عاشورا	حوادث تاسوعا و عاشورا با محوریت حضرت ابوالفضل(ع)، امام حسین(ع)، علی اصغر(ع) و حضرت زینب(س)	امام حسین(ع)	شجاعت، جهاد و شهادت معادل یا مبارزه با ظلم، جوانمردی و آزادی
		حضرت ابوالفضل(ع)	شجاعت، وفاداری، ایثار
		حضرت زینب(س)	شجاعت، صبر
سرنوشت بندگان در قیامت‌روز جزا	عذاب گناه کاران	عذاب نگاه کاران	نهی از منکر
	زندگی نیکوکاران	استقبال از نیکوکاران	امر به معروف
فرشتگان و ملائک	نوشتن اعمال بندگان	نکیر و منکر	زندگی پس از مرگ
	عذاب گناه کاران	ملک عذاب	نهی از منکر
		اسرافیل	زندگی پس از مرگ
		ملک با ترازوی عدالت	عدالت
خوشنویسی	متون قرآنی و احادیث، اشعار مرتبط با عاشورا	حادثه کربلا	جهاد و شهادت معادل یا مبارزه با ظلم، شجاعت، جوانمردی و آزادی
		حضرت ابوالفضل(ع)	جهاد و شهادت معادل یا مبارزه با ظلم، وفاداری، ایثار
نقوش گیاهی	درخت سرو	نماد حضرت علی اکبر(ع)	جوانمردی و آزادی
نقوش هندسی	نمادین	حوض کوثر	امر به معروف



تصویر ۵- فریدون و گرز گاو سر با موضوع اسطوره‌های، مأخذ: محمودی، ۱۳۹۰: ۱۹۴

مهمترین ابزارهای پهلوانان ایرانی همچون فریدون در جنگ با دشمنان اهریمنی تبدیل شده‌است. در انتهای داستان، فریدون، فرّه جم را از ضحاک می‌گیرد و به قهرمانی بدل می‌شود که مردم از او می‌خواهند تا همه ستمکاران را نابود کند (هینلز، ۱۳۷۹: ۶۱). نقی پور فر و جدیدی (۱۳۹۸: ۱) به واسطه شباهت‌هایی همچون گرز گاو سر، فریدون را با «ئا» ایزد آب در میان‌رودان مرتبط می‌دانند و او را صورت آریایی این اسطوره میان‌رودانی و سپس ایلامی معرفی می‌کنند (تصویر ۵). در مازندران، آیینی سنتی در ۲۶ امین روز «عیدماه» طبری که به نام «۲۶ عیدماه» یا «جشن مردگان» شناخته می‌شود و معادل با ۲۸ تیرماه است، برگزار می‌شود و مردم به آرامگاه درگذشتگان خود سرکشی می‌کنند. به اعتقاد بومیان مازندران، این روز مقارن با انتشار خبر پیروزی فریدون بر ضحاک و به بند کشیدن او در کوه دماوند است.

«ملک باران» در تزئینات سقانفارهای مازندران، فرشته‌ای معادل «الله باران» است که به شکل انسانی با دست‌های متعدد به تصویر کشیده شده‌است (تصویر ۶). آب از عناصر مهم در فرهنگ ایران به شمار می‌رود و محور بیشتر داستان‌های اساطیری است. در تاریخ اساطیری ایران، آفرینش این عنصر در سه هزاره دوم اتفاق می‌افتد؛ زمانی که اهوره‌مزدا، اهریمن را با جادوی سخن ناتوان می‌کند و تصمیم می‌گیرد برای مقابله با شر حاکم بر هستی، آفرینش پدیده‌ها را آغاز کند. او آب را از گوهر آسمان و به روایتی

آموزه‌های حیاتی برای بیداری روان جامعه؛ و هم زبان گویای عصر خویش باشد.

مضمون داستان فریدون، پادشاه اسطوره‌ای ایران، عدالت و مبارزه با تاریکی و ظلم است. در اوستا (۱۳۷۱)، متن باستانی ایرانی، ضحاک، یک اژدهای بزرگ سه سر سه پوزه شش چشم معرفی شده که توسط اهریمن آفریده شده‌است تا پارسایی و خانه‌های مردم را نابود کند. فریدون از گائوشا، ایزدبانوی چهارپایان که با نام درواسپ از او یاد می‌کند، تقاضا می‌کند تا به او این کامیابی را ارزانی کند تا بر «اژی‌دهاک» پیروز شود (ص: ۳۴۸). او در شاهنامه، پادشاهی عادل معرفی می‌شود که مردم در سایه امنیت ایجاد شده در حکومت او، به پرستش خدای خود مشغول شدند (فردوسی، ۱۳۸۲: ۳۱). حکایت فریدون، برخاستن در برابر ظلم و جور و برقراری حکومت عدل و داد است و شکستن نمادین سر ضحاک با گرز گاو سر و زندانی کردن او در غاری بی انتها در کوه دماوند (فردوسی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۱). فریدون با دایگی یک گاو بزرگ می‌شود و خود از تباری است که نام خانوادگی نیاکانش نیز همواره نام گاو را با خود داشته است. گاو در فرهنگ هندواروپایی نماد حیات و برکت و فراوانی بوده است. قائمی (۱۳۹۱: ۱۰۶) معتقد است «گرز گاو سر»، سلاح مهر در نبرد ازلی‌اش با گاو نخستین، مظهر صلابت ایزدی و پیروزی محتوم روشنی بر تاریکی و تضمین کننده‌ی پایایی فرهنگ و خجستگی مینوی در گستره جهان است. از این رو به یکی از

عامه، حسین کُرد، از پهلوانان افسانه‌ای ایرانی است که همچون دیگر حماسه‌های ایرانی، برای روایت غلبه دین بر کفر، سپیدی بر سیاهی و حق بر باطل، سینه به سینه روایت شده‌است. به حسین کرد، لقب «تهمت‌ن» داده شده که از القاب رستم است. بدین ترتیب، حسین کرد، به نمادی از رستم بدل می‌شود تا برای مردم زمان خود یک الگوی به روز باشد. در میان نامداران ایرانی، حسین به مذهب تشیع و دین اسلام، توجه ویژه‌ای دارد (خسروی، ۱۳۷۹: ۱۳) که ریشه آن در بستر تاریخی زمان او قابل شناخت است (تصویر ۷).

«فرهاد» در فرهنگ فارسی، نمادی از عشق واقعی است. اولین بار داستان دلدادگی او به شیرین، توسط نظامی روایت می‌شود. برخی از نظریه پردازان، او را شخصیتی افسانه‌ای و خیالی و برخی دیگر قهرمانی از دوره اشکانی می‌دانند. ابوالقاسمی و آرزومند (۱۳۸۹: ۶) سابقه داستان فرهاد را از دوره ساسانی می‌دانند. عادل (۱۳۷۲: ۳۳۵) او را شخصیتی پهلوانی و از نژاد برزین معرفی می‌کند که دارای درفشی با نقش آهو و گاومیش بوده‌است. او همچنین فرهاد را داستانی ساخته اشکانیان سرکوب شده و تحت ظلم ساسانیان می‌داند که با روایت و به تصویر کشیدن قهرمان قصه، مظلومیت و صداقت خود را به تصویر کشیده‌اند (همان: ۲۱). فرهاد خمسه نظامی، یک استاد سنگتراش بوده که دلباخته «شیرین»، شاهزاده ارمنی می‌شود. «خسرو ساسانی» که با «شیرین»، عشقی دوسویه داشته، برای بیرون کردن بی‌هزینه فرهاد از میدان، او را به کوهستان فرستاد تا جاده‌ای از میان سنگ‌ها بترشد و چون به نتیجه مطلوب خود نرسید، برای اتمام کار، خبر دروغین مرگ شیرین را برای او فرستاد. فرهاد با شنیدن خبر، بر زمین افتاد و جان باخت. از محل افتادن



تصویر ۶- ملک باران با موضوعات مذهبی و اساطیری، مأخذ: رحیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۰۷.

از اشک خویش، زلال و روشن، می‌آفریند (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۵). «تیشتر»، الهه باران که تصویر او در تزئینات سقائفار به چشم می‌خورد، برای مقابله با ستمکاری اهریمن که در پایان هزاره سوم به نخستین پدیده‌های گیتی حمله کرده؛ به یاری اهوره‌مزدا می‌شتابد. او سه دوره ده شبانه روزی بر زمین می‌بارد و جانوران زیان‌بخش و زهرآلود را هلاک می‌کند. تیشتر، زندگی بخش است. او با دیو خشکسالی می‌جنگد، حامی سرزمین آریایی است، فرزندان عطا می‌کند و جادوگران را در هم می‌شکند (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۴). در روایت اصلی داستان «حسین کرد شبستری»، زندگانی و ماجراهای یک پهلوان از دوره صفویه حکایت می‌شود که همراه با سایر پهلوانان ایرانی به مبارزه در برابر ظلم و جور دشمنان ایران و بویژه ازبکان می‌پردازد. او پیروز همیشگی میدان‌هاست (آتش‌سودا، ۱۳۸۶: ۱۰). در فرهنگ

جدول ۲- روایت‌ها، موضوعات و مضامین در تزئینات غیرمذهبی، مأخذ: نگارنده.

داستان	موضوع	پیام‌ها و مضامین
فریدون و ضحاک	سرگذشت فریدون، پادشاه اسطوره‌ای ایران و جنگ با ضحاک	عدالت، مبارزه با ظلم (جهاد و شهادت)، شجاعت، جوانمردی
ملک باران	فرشته خیر و برکت و فراوانی و مبارزه با دیو خشکسالی	مبارزه با ظلم (جهاد و شهادت)، برکت
حسین کرد	داستان پهلوانی‌های حسین کرد، قهرمان ایرانی	عدالت، پهلوانی، ایمان، شجاعت، جوانمردی
فرهاد کوه کن	عشق فرهاد سنگ تراش به یک شاهزاده ارمنی به نام شیرین	عشق، شجاعت، جوانمردی

غیرمذهبی، در جایگاه دوم قرار دارند. همینطور موضوعات «برکت»، «پهلوانی»، «ایمان» و «عشق» با حضور در یک دسته موضوعی و هرکدام با اختصاص ۷ درصد از کل تزئینات، کمترین تعداد حضور در تزئینات غیرمذهبی را به خود اختصاص داده و در مجموع ۳۶ درصد تزئینات باقی مانده را تشکیل می‌دهند.

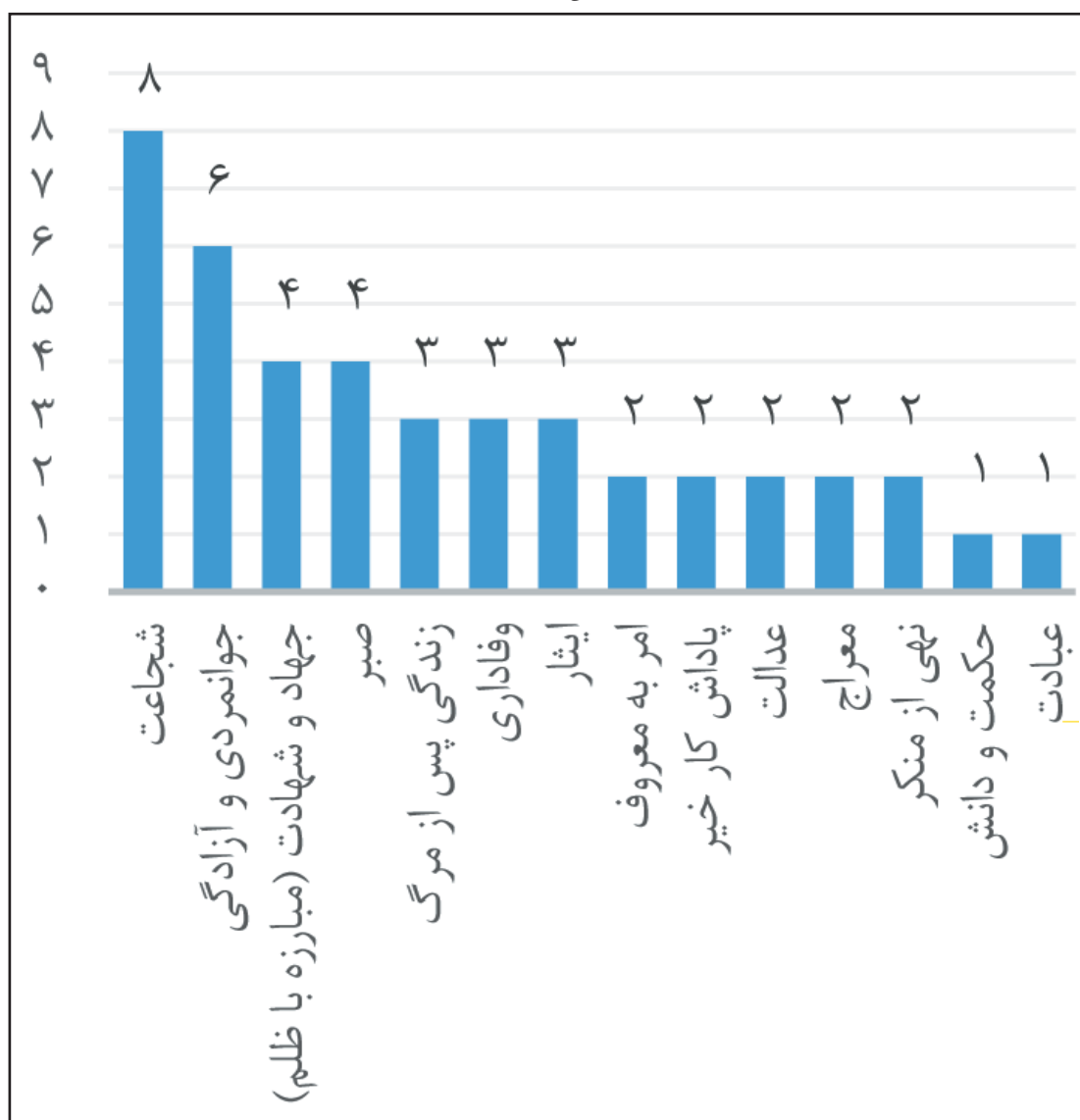
نگاهی به مضامین درج شده در جداول و نمودارهای ارائه شده نشان می‌دهد نگارگران سقافارها در صدد تصویر کردن جهان رمزی معنوی نیستند؛ بلکه به نحوی با ارائه‌ی داستان‌های دینی، ملی و اسطوره‌ای، همچون زندگی و رشادت‌های انبیا و پهلوانی‌های قهرمانان اساطیری، اخلاقیات را در جامعه‌ی عصر خویش تعمیم می‌دهند و در

تیشه فرهاد، درخت اناری روید که میوه آن را داروی بسیاری از دردها می‌دانستند. عشق و صداقت، مضامین اصلی داستان فرهاد کوهکن هستند (تصویر ۸).

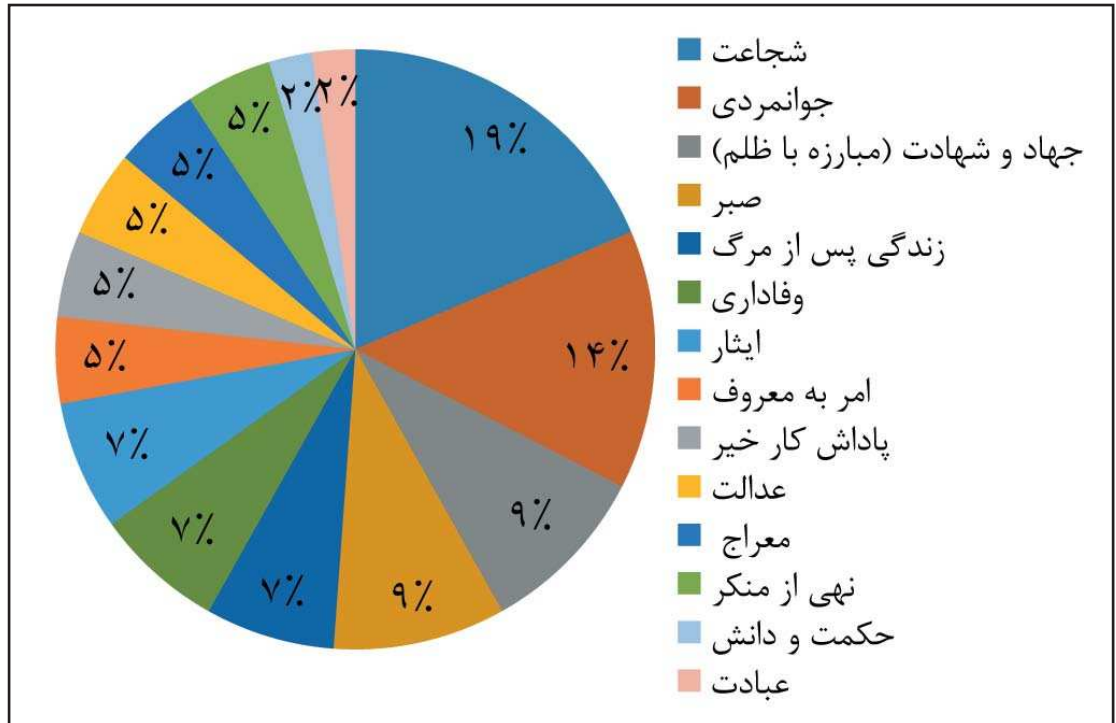
برای بررسی دقیق تر محتوای نقوش غیرمذهبی، جدول ۲ و نمودارهای شماره ۳ و ۴ تهیه شده است.

داده‌های جدول ۲ و نمودارهای ۳ و ۴ بیانگر آن هستند که آموزه‌های «شجاعت» و «جوانمردی» با حضور در سه دسته موضوعی از تزئینات، ۲۱ درصد موضوعات بکار رفته در بخش غیرمذهبی را به خود اختصاص داده و در جایگاه اول قرار دارند. پس از آنها، «عدالت» و «مبارزه با ظلم (جهاد و شهادت)» با حضور در سه دسته موضوعی از تزئینات و اختصاص دادن ۱۴ درصد از موضوعات

نمودار ۱- میزان کاربرد مضامین در تزئینات با موضوعات مذهبی، مأخذ: نگارنده.



نمودار ۲- درصد کاربرد مضامین در تزئینات با موضوعات مذهبی، مأخذ: همان.



کنار آنها، معانی و شعائر دینی را نیز یادآور شده‌اند. بورکهارت (۱۳۷۶: ۴۷) معتقد است نگارگری‌های ایرانی (مینیاتور) به نحوی غیر مستقیم ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا را نمایان می‌سازند. این پژوهش نشان می‌دهد در سقائفارها نیز این موضوع به چشم می‌خورد. در نقوش و متون تصویرشده، مستقیماً ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا بازگو نشده و هنرمند تصویرگر، با اجتناب از نشان دادن کامل ظواهر اشیا، با آگاهی و عمدتاً به شیوه‌ای ساده‌نمایانه، عناصر مورد نظرش را به تصویر کشیده‌است. بر این اساس که بورکهارت معتقد است نگارگران ایرانی در هوس منتقل کردن تمامی ظواهر و نمود اشیا نبوده و این کار را عبث می‌دانسته‌اند و از اینرو سادگی کودکانه آثارشان عین خردمندی است (همانجا)، می‌توان سادگی تصاویر تزئینی سقائفارها را نیز برخاسته از خرد هنرمندی دانست که آشنایی کاملی با مخاطب خود داشته و براساس این شناخت، نوع تزئین را انتخاب کرده‌است.

کنار آنها، معانی و شعائر دینی را نیز یادآور شده‌اند. بورکهارت (۱۳۷۶: ۴۷) معتقد است نگارگری‌های ایرانی (مینیاتور) به نحوی غیر مستقیم ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا را نمایان می‌سازند. این پژوهش نشان می‌دهد در سقائفارها نیز این موضوع به چشم می‌خورد. در نقوش و متون تصویرشده، مستقیماً ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا بازگو نشده و هنرمند تصویرگر، با اجتناب از نشان دادن کامل ظواهر اشیا، با آگاهی و عمدتاً به شیوه‌ای ساده‌نمایانه، عناصر مورد نظرش را به تصویر کشیده‌است. بر این اساس که بورکهارت معتقد است نگارگران ایرانی در هوس منتقل کردن تمامی ظواهر و نمود اشیا نبوده و این کار را عبث می‌دانسته‌اند و از اینرو سادگی کودکانه آثارشان عین خردمندی است (همانجا)، می‌توان سادگی تصاویر تزئینی سقائفارها را نیز برخاسته از خرد هنرمندی دانست که آشنایی کاملی با مخاطب خود داشته و براساس این شناخت، نوع تزئین را انتخاب کرده‌است.

کنار آنها، معانی و شعائر دینی را نیز یادآور شده‌اند. بورکهارت (۱۳۷۶: ۴۷) معتقد است نگارگری‌های ایرانی (مینیاتور) به نحوی غیر مستقیم ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا را نمایان می‌سازند. این پژوهش نشان می‌دهد در سقائفارها نیز این موضوع به چشم می‌خورد. در نقوش و متون تصویرشده، مستقیماً ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا بازگو نشده و هنرمند تصویرگر، با اجتناب از نشان دادن کامل ظواهر اشیا، با آگاهی و عمدتاً به شیوه‌ای ساده‌نمایانه، عناصر مورد نظرش را به تصویر کشیده‌است. بر این اساس که بورکهارت معتقد است نگارگران ایرانی در هوس منتقل کردن تمامی ظواهر و نمود اشیا نبوده و این کار را عبث می‌دانسته‌اند و از اینرو سادگی کودکانه آثارشان عین خردمندی است (همانجا)، می‌توان سادگی تصاویر تزئینی سقائفارها را نیز برخاسته از خرد هنرمندی دانست که آشنایی کاملی با مخاطب خود داشته و براساس این شناخت، نوع تزئین را انتخاب کرده‌است.

کنار آنها، معانی و شعائر دینی را نیز یادآور شده‌اند. بورکهارت (۱۳۷۶: ۴۷) معتقد است نگارگری‌های ایرانی (مینیاتور) به نحوی غیر مستقیم ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا را نمایان می‌سازند. این پژوهش نشان می‌دهد در سقائفارها نیز این موضوع به چشم می‌خورد. در نقوش و متون تصویرشده، مستقیماً ماهیت ازلی و اعیان ثابت‌ه اشیا بازگو نشده و هنرمند تصویرگر، با اجتناب از نشان دادن کامل ظواهر اشیا، با آگاهی و عمدتاً به شیوه‌ای ساده‌نمایانه، عناصر مورد نظرش را به تصویر کشیده‌است. بر این اساس که بورکهارت معتقد است نگارگران ایرانی در هوس منتقل کردن تمامی ظواهر و نمود اشیا نبوده و این کار را عبث می‌دانسته‌اند و از اینرو سادگی کودکانه آثارشان عین خردمندی است (همانجا)، می‌توان سادگی تصاویر تزئینی سقائفارها را نیز برخاسته از خرد هنرمندی دانست که آشنایی کاملی با مخاطب خود داشته و براساس این شناخت، نوع تزئین را انتخاب کرده‌است.

تحلیل یافته‌ها با مضمون‌شناسی و کارکرد تزئینات سقائفارهای مازندران از منظر ادبیات تعلیمی

ارزیابی‌های اولیه انجام شده نشان می‌داد که گرچه در نگاه اول کارکرد سقائفارها، اجرای شعائر دینی بوده و این سازه نمایشگر نوعی بنای مذهبی است، اما عملکرد اصلی آنها تعلیمی و آموزشی بوده‌است. بر اساس آنچه



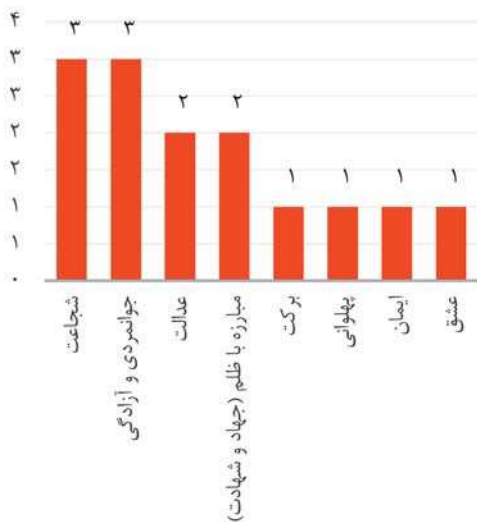
تصویر ۷- حسین کرد و میر باقر در بایکلا - با موضوع پهلوانی عامیانه، مأخذ: رحیمزاده، ۱۳۸۲: ۲۱۹.

علاقه هنرمندان آفریننده و احتمالاً بانیان ساخت سقافارها را به خود اختصاص می‌دهند. نمودار ۶ موضوع دیگری را نیز مشخص می‌کند که درستی دسته‌بندی اولیه تزئینات بر اساس نقوش مذهبی و غیرمذهبی را تأیید می‌نماید. در تمامی ستون‌ها، درصد حضور مضامین اخلاقی در گروه تزئینات غیرمذهبی بیشتر از گروه تزئینات مذهبی است. این اختلاف درباره مضمون «عدالت» بیش از سایر موارد به چشم می‌خورد. مقایسه نمودارهای ۵ و ۶ نتیجه جالب دیگری به همراه دارد که نشان می‌دهد اگر چه از نظر تعداد، تعداد تزئینات در گروه نقوش مذهبی تقریباً در همه موارد بیشتر از گروه نقوش غیرمذهبی است، اما از نظر نسبت (درصد) کاربرد، مضامین مشترک در تزئینات

و کودکان هم بوده باشد. چرا که حتی در مساجد بعنوان اصلی‌ترین بنای مذهبی مسلمان، چنین محدودیتی وضع نشده است.

جداول ۱ و ۲ و نمودارهای ۱ تا ۴ نشان می‌دهند «موضوعات» مذهبی نسبت به «موضوعات» غیرمذهبی دارای تنوع و تعداد بیشتری هستند. «مضامین» بیشتر استفاده شده در تزئینات مذهبی، صرفاً ریشه مذهبی ندارند و خواستگاهی اخلاقی و انسانی را به نمایش می‌گذارند. قاعدتاً درباره نقوش غیرمذهبی هم این موضوع صدق می‌کند. مجموع و نتیجه این موارد در نمودار ۵ قابل مشاهده است. در این نمودار تمام مضامین بکار رفته در تزئینات بر اساس تعداد ارائه شده است.

همانگونه که مشخص است و قبلاً نیز به آن اشاره شد، در مجموع تعداد «موضوعات» و «مضامین» مذهبی از غیرمذهبی بیشتر است. برای شناخت «مضمون‌های مشترک مورد تأکید» و مقایسه نسبت کاربرد آنها در هر گروه، نمودار شماره ۶ تهیه شده که کاربرد مضامین را بر اساس درصد نشان می‌دهد. این نمودار بیان می‌کند مضمون «شجاعت» در هر دو گروه مضامین مذهبی و غیرمذهبی بیشترین کاربرد و ارایه را به خود اختصاص داده و به ترتیب با میزان تقریباً مشابه ۱۹ و ۲۱ درصد قابل مشاهده است. دومین مضمون مشترک مورد استفاده، «جوانمردی» است که به ترتیب با ۱۴ و ۲۱ درصد، بیش از سایر مضامین مشاهده می‌شود. مضامین «جهاد و شهادت» و «مبارزه با ظلم» که با توجه به ماهیتشان معادل یکدیگر قرار گرفته‌اند، به ترتیب با ۱۴ و ۲۱ درصد، سومین مضمون مورد تأکید در تزئینات بوده‌اند. در نهایت مضمون «عدالت» در نقوش مذهبی و غیرمذهبی با اختلاف تقریباً زیاد ۵ و ۱۸ درصد قابل مشاهده است. آنگونه که مشخص است، تزئینات دارای مضامین و سجایای اخلاقی، بیشترین

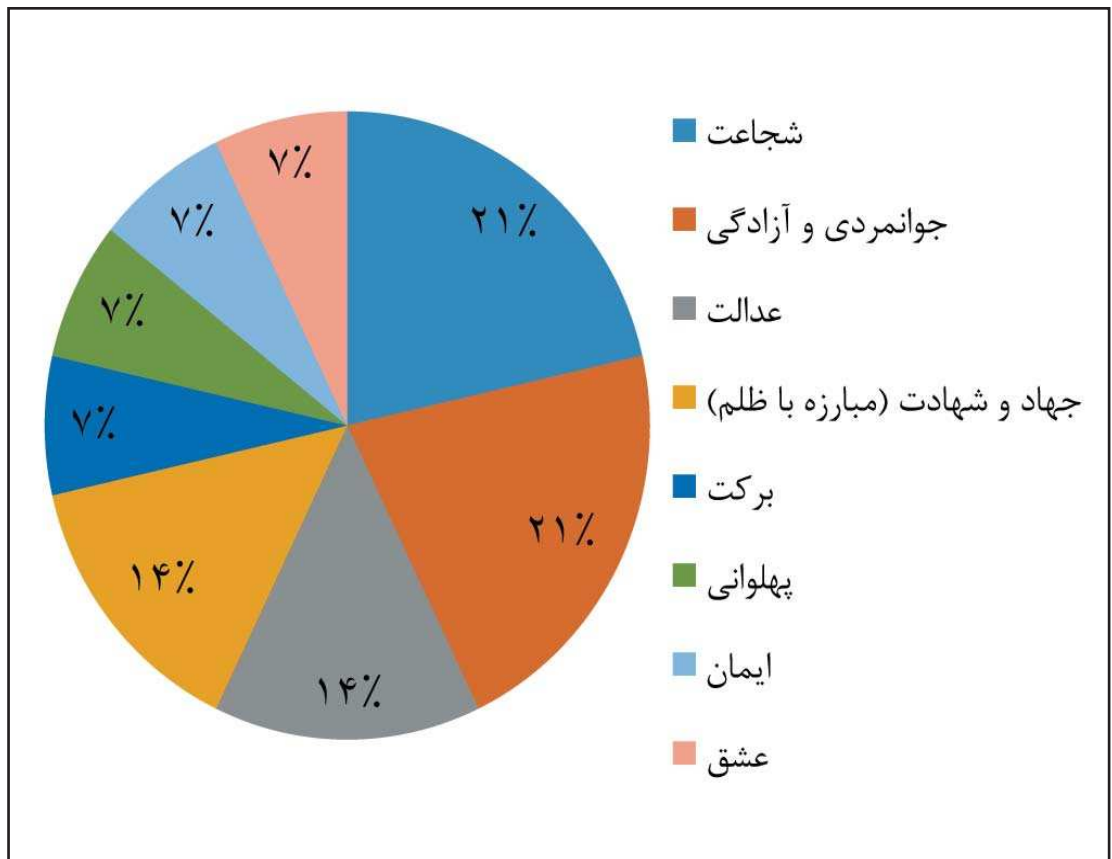


نمودار ۳- میزان کاربرد مضامین در تزئینات با موضوعات غیرمذهبی به ترتیب نزولی، مأخذ: نگارنده.

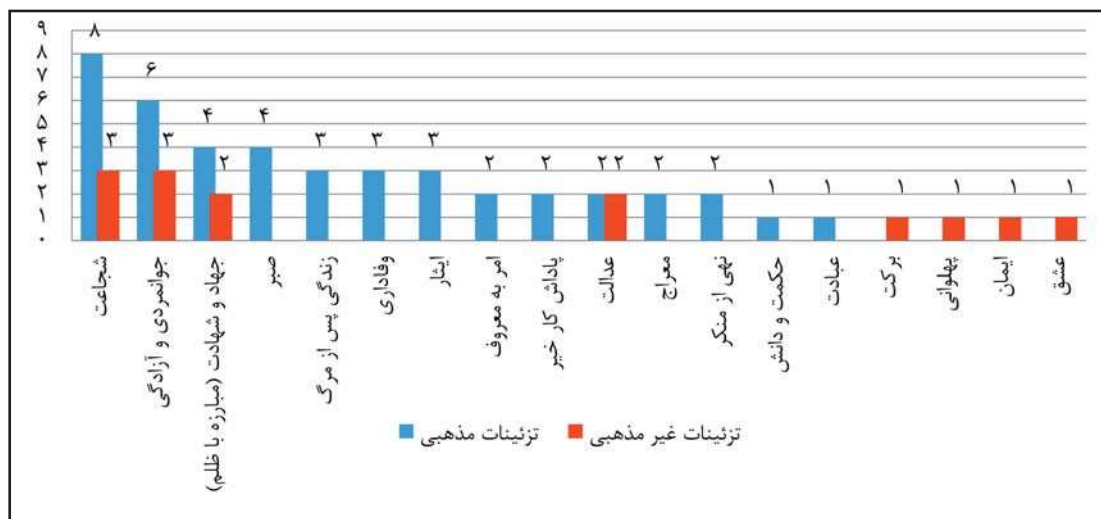


تصویر ۸- فرهاد کوه کن در کبریا کلا با موضوع عاشقانه، مأخذ: همان.

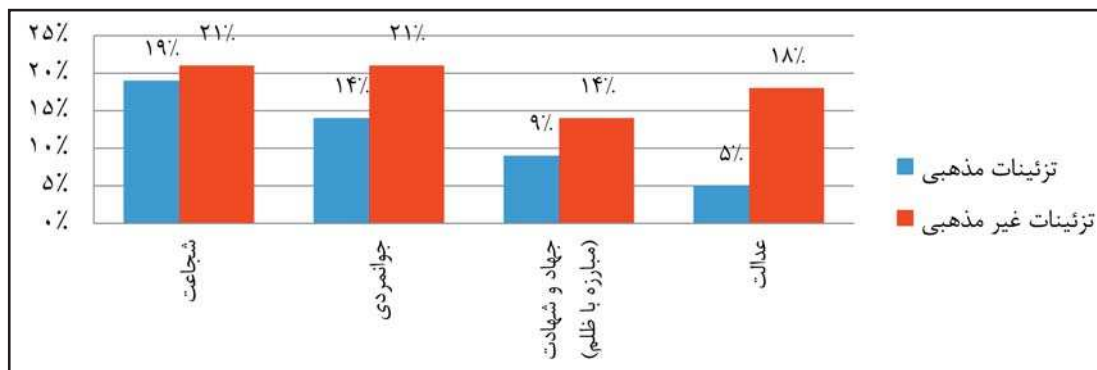
غیرمذهبی در همه موارد بیشتر از گروه مذهبی هستند. علت این موضوع با توجه به محتوای موضوعات مشترک، قابل تبیین است: تمام مضامین مشترک، پایه اولیه اخلاقی و انسانی دارند. آثار معماری در ادیان مختلف به دو صورت شکل می‌گیرند. گروه اول سازه‌هایی هستند که بدستور مستقیم آموزه‌های دینی ساخته شده‌اند. این سازه‌ها، فی نفسه ارائه‌کننده ایده‌های اساسی مذهبی خود می‌باشند و بدون در نظر



نمودار ۴- درصد کاربرد مضامین در تزئینات با موضوعات غیرمذهبی، مأخذ: نگارنده.



نمودار ۵- درصد کاربرد مضامین مختلف در تزئینات با موضوعات غیرمذهبی، مأخذ: نگارنده.



نمودار ۶- نمودار مقایسه‌ای میزان کاربرد مضامین مشترک در تزئینات، مأخذ: همان.

پیران و نوجوانان در بخش فوقانی روبرو هستیم. قبلا به این موضوع بر اساس مخاطب شناسی تزئینات پرداخته شد. برای تکمیل مطلب باید به این جنبه پرداخت که در نگاه اول به نظر می‌رسد این قواعد، بیشتر جنبه‌ی نمادین تربیتی داشته و در روزهای خاصی که میزان مراجعات بیشتر است، رعایت شود. بررسی‌های این پژوهش نیز نشان‌گر صدق این نکته است که این محدودیت‌ها بیشتر از جانب خود گروه‌های منع شده در زمان‌های خاص رعایت می‌شود و اجبار بیرونی در مرحله بعدی قرار دارد. چنانکه نظافت و نگهداری از این ابنیه در طول سال توسط زنان انجام می‌گیرد. همچنین برای انجام مراسم نذری نیز بانوان از این مکان استفاده می‌کنند. همانگونه که بیان گردید، ساختار و کارکرد اصلی سقائفار در مراسم عزاداری ماه محرم می‌باشد. اما با توجه به اینکه عزاداری واقعه کربلا حدود یک ماه در سال رخ می‌دهد و باقی سال اختصاص به مراسم بانوان دارد، لذا باز هم می‌توان این حرمت را نوعی قرارداد نمادین و اخلاقی دانست که جنبه‌ی تنزیهی

گرفتن تزئینات و ملاحظات ثانویه در هر منطقه‌ای می‌تواند به نوع آنها پی برد. این آثار احساسی مذهبی در بیننده بوجود می‌آورند و در زمره معماری مقدس قرار می‌گیرند. گروه دوم، سازه‌هایی هستند که در مراحل ثانویه رشد و گسترش ادیان و براساس احتیاجات پیروان در جغرافیا و زمان جدید ساخته شده‌اند. در تشیع، حسینیه‌ها، تکایا و مقبره درگذشتگان دینی از آن جمله‌اند که در آنها با ویژگی‌های شاخص معماری مقدس روبرو نیستیم. سقائفارها از نوع بناهای گروه دوم می‌باشند. حضور تزئینات و کارکردهای متنوع، از ویژگی‌های این گروه آثار است. شکل‌گیری قواعد و قوانین ثانویه و حتی محلی از ویژگی‌های این آثار بوده که گاه می‌تواند با برخی آموزه‌های دینی همراستا نباشد. بعنوان مثال، مساجد برای استفاده عموم مسلمین از هر جنسیت، ملیت و سنی ساخته شده‌اند. بر اساس آموزه‌های مذهبی تشیع، در هنگام نماز، هیچ تمایزی بین کسانی که در ردیف‌های مختلف صف می‌ایستند وجود ندارد. اما در سقائفارها با ممنوعیت حضور زنان و گاه

زیبایی‌های مثالی شکل گرفته و نه بازنمایی زیبایی‌های طبیعی. بر اساس آرای سنت‌گرایان از جمله شووان (۱۳۷۶: ۱۰۰) هنر قدسی دارای سه مولفه‌ی اصلی است: در محتویات خود؛ دینی، در جزییاتش؛ رمزی و در نحوه اجرا؛ روحانی است. با این تعریف و با رویکرد سنت‌گرایانه سقائفار را نمی‌توان همچون معماری مساجد، قدسی تلقی کرد. اگر موضوعی همچون تعداد ستون‌ها را یک نمونه خاص بدانیم، در سایر موارد، سقائفار نه در ساخت بنا و نه در جزییات نقوش، فاقد زبانی رمزی و تمثیلی است.

و تربیتی دارد. در بررسی ویژگی‌های آثار معماری مقدس جهان شاهد آن هستیم که با حذف تزئینات، موجودیت بنا فی‌نفسه، با اندازه‌ها، تناسبات و شکل کلی، در بیننده تداعی‌گر امری قدسی و ماورائی خواهد بود. مطالعه معماری بالغ مساجد، کلیساها، زیگورات‌ها و حتی بومیان آمریکا، بر این نکته تأکید دارد که احساس والایی موجود در آثار، نقش اصلی را برای انتقال یک تجربه روحانی و پالایش روح زائر ایفا می‌کند. تزئینات این ابنیه به تبعیت از کلیت بنا بر اساس

نتیجه

بررسی صورت گرفته در این مقاله درباره کارکرد اجتماعی سازه سقائفار و تزئینات آن، نشان‌دهنده دو عملکرد اصلی تربیتی و مذهبی برای این سازه است. هنرمند از تزئینات بعنوان متونی تصویری استفاده کرده است تا برای بومیان بی‌سواد و کم‌سواد، روایت‌گر آموزه‌های اخلاقی، مذهبی، ملی و پهلوانی باشد. تصاویر که بمثابه واژگان و داستان، عملکردی تعلیمی به عهده گرفته‌اند، سقائفار را به کتابی مصور بدل کرده‌اند که همواره در تلاش برای نیک زیستن انسان و فرهنگ‌سازی در جهت شاخص نمودن اخلاقیات و ارزش‌های معنوی فردی و اجتماعی است. بازآفرینی داستان‌ها در دیدگان مخاطب، به گونه‌ای از پالایش و آموزش همزمان منجر می‌شود که چنین دستاوردی در کمتر سازه‌ی مذهبی قابل مشاهده است. مطالعات این پژوهش نشان داد کارکرد سقائفار، بعنوان سازه‌ای فاقد تقدس پیشین که در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد، پیش از آنکه انجام فرایض و امور دینی باشد، آموزشی و تعلیمی است. برای روشن‌تر شدن این گزاره می‌توان مقایسه‌ای بین این سازه با مسجد، بعنوان مهمترین بناهای مذهبی مقدس مسلمانان، انجام داد. کارکرد اولیه و اصلی مسجد در اسلام، انجام فریضه «نماز» است و به مرور، آموزش‌های مذهبی همچون حفظ و قرائت قرآن، احکام دینی و در دوره‌های تاریخی اخیر، آموزش موضوعات اجتماعی و علمی تأیید شده در عرف نیز در فضای مساجد انجام می‌شود. این کارکردها، تعیین‌کننده ساختار و تزئینات معماری مسجد بوده‌است. اما در سقائفار، آنچه ساختار و تزئینات را تعیین می‌کند، در درجه اول، ویژگی‌های اقلیمی و بومی و در درجه دوم، اهداف تعلیمی است.

در پاسخ به سوال این پژوهش مبنی بر شناخت میزان ارتباط بین نقوش مذهبی و غیر مذهبی سقائفارها با آموزه‌های تعلیمی باید گفت تحلیل‌ها و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد رویکرد و هدف اصلی سازندگان، ایجاد یک اثر تعلیمی بر اساس معماری بومی بوده و سقائفار با هدف انتقال آموزه‌های اخلاقی و انسانی ساخته شده‌است. این موضوع در بررسی هر دو گروه تزئینات مذهبی و غیرمذهبی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد این رویکرد، متأثر از شرایط اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقلیمی دوره شکل‌گیری بوده و موضوعات و مضامین متناسب با مقتضیات آن دوران انتخاب شده‌اند. بررسی گزارشات میدانی نشان داد جامعه عرفی و محتوایی این آثار، مردان جوان بوده است که این این موضوع، تأیید کننده نظر فوق می‌باشد. زمان شکل‌گیری سقائفارها، مقارن با پایان جنگ‌های مذهبی بین دولت‌های صفوی شیعه و عثمانی سنی است. شکست مفتضحانه آخرین پادشاه صفوی از لشکر کم تعداد افغان، به اعتبار تاریخی و حیثیت ملی ایرانیان آسیب جدی وارد کرد. این رویدادها، زمینه تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری سقائفارها را در جغرافیای مازندران شکل داد و باعث گردید تا پاسداری از مذهب و ملی‌گرایی در

جامعه به ارزشی فراگیر تبدیل شود. بر اساس نتایج بدست آمده، «شجاعت، جوانمردی و آزادگی، جهاد و شهادت یا مبارزه با ظلم، صبر، زندگی پس از مرگ، وفاداری، ایثار، امر به معروف، پاداش کار خیر، عدالت، معراج، نهی از منکر، حکمت و دانش و عبادت»، مضامینی هستند که به ترتیب بیشترین حضور را در تزئینات با محتوای دینی داشته‌اند. بطور مشابه و باز هم به ترتیب میزان کاربرد، «شجاعت، جوانمردی، عدالت، مبارزه با ظلم یا جهاد و شهادت، برکت، پهلوانی، ایمان و عشق» مضامینی هستند که در تزئینات با محتوای غیرمذهبی دیده می‌شوند. بررسی تطبیقی و تجمیع داده‌های فوق نشان می‌دهد مضامین «شجاعت»، «جوانمردی»، «جهاد و شهادت یا مبارزه با ظلم» و «عدالت» بیشترین حضور را در تمام تزئینات مذهبی و غیرمذهبی داشته‌اند. گرچه این مضامین از نظر تعداد، در تزئینات با محتوای دینی بیشتر دیده می‌شوند، اما در مقایسه نسبی، در تزئینات با محتوای غیرمذهبی بیشتر به کار رفته‌اند. سقائفار شاهکاری ارزشمند از معماری بومی و هنر شیعی است که قابلیت‌های عملکردی تقریباً نامحدودی برای کارکردهای آموزشی، مذهبی و فرهنگی دارد و علاوه بر دارا بودن ارزش قابل توجه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، امکان مطالعه چگونگی شکل‌گیری و نیز بازآفرینی ارزش‌های اخلاقی را در یک سازه جدید ساخته‌شده بر اساس معماری اصیل بومی و ایرانی، فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

- ابوالقاسمی، سیده مریم و آرزومند لیالکل، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی شخصیت فرهاد از واقعیت تا افسانه. تاریخ ادبیات. سال دوم (۳). صص ۵-۲۲.
- آتش‌سودا، محمدعلی. (۱۳۸۶). بررسی ساخت داستان عامیانه «حسین کرد شبستری». ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. دوره سه (۸). صص ۹-۵۰.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۰). تاریخ اساطیری ایران. چاپ سوم. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۹۶). از گذشته‌های ایران. تهران: معین.
- بایگانی تصاویر سازمان میراث فرهنگی استان مازندران: ۱۳۹۵.
- بهرامی، احسان. (۱۳۷۱). فرهنگ واژه‌های اوستا. به کوشش فریدون جنیدی. تهران: بنیاد نیشابور.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی. ترجمه سید حسین نصر. مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. به کوشش هانری کوربن. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- خسروی، شمس. (۱۳۷۹). حسین کرد همچون رستم دستان. کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۳۴. صص ۱۳-۱۵.
- داد، سیما. (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۱). اوستا. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- رحیم‌زاده، معصومه. (۱۳۸۲). سقائفارهای مازندران وجهی از معماری آیینی. تهران: پژوهشگاه و اداره کل میراث فرهنگی کشور.
- رمزجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی و آثار آن. چاپ سوم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی. تهران: نشر فردوس.
- شووان، فریده‌وف. (۱۳۷۶). اصول و معیارهای هنر جهانی. ترجمه سید حسین نصر. مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. به کوشش دفتر مطالعات دینی هنر زیر نظر علی تاج‌الدینی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- عادل، محمدرضا. (۱۳۷۲). فرهنگ جامع نام‌های شاهنامه. تهران: نشر صدوق.
- عنصری، جابر. (۱۳۶۶). اساطیر و فرهنگ عامه ایران. مرنند: نشر قمری.



- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان. چاپ اول. تهران: قطره.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱). اسطوره نبرد مهر و گاو نخستین و ارتباط آن با ابزار نمادین گرز گاوسر. ادب پژوهی. دوره شش (۲۱). صص ۸۹-۱۱۰.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۸). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. جلد ۵. قم: نور وحی.
- محمودی، فتانه. (۱۳۸۷). مضامین تصاویر انسانی در سقائفارهای مازندران بررسی تطبیقی نقوش سقائفارهای «شیاده» و «کردکلا». هنرهای زیبا. شماره ۳۶. صص ۶۷-۷۶.
- محمودی، فتانه. (۱۳۸۷). مضامین دینی در نقوش سقائفارهای مازندران. کتاب ماه هنر. شماره ۱۱. صص ۸۰-۸۷.
- محمودی، فتانه. (۱۳۹۰). بررسی مضامین تصویری هنر دوره قاجار در نقوش سقائفارهای مازندران. استاد راهنما: محمود طاووسی. رساله‌ی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- نقی پور فر، خدیجه و جدیدی، ناصر. (۱۳۹۸). ارتباط میان فریدون با ایزد آب در تمدن ایلام. پژوهش‌های تاریخی. دوره ۱۱ (۱). صص ۱-۱۷.
- هینلز، جان. (۱۳۹۷). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. دوره ۸ (۲۹). صص ۶۱-۹۰.
- یوسف نیا پاشایی، وحید. (۱۳۸۵). پیمایشی بر نقوش روی شیرسر و کوماچه سر در سقائفارهای مازندران. استاد راهنما: محمد طاووسی. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- یوسف نیا پاشایی، وحید. (۱۳۸۵). سقائفار و اهمیت آب و شیرسر و کوماچه سر. کتاب ماه هنر. ۹۳. صص ۵۸-۷۱.



Tehran: Cheshmeh Publication.

Khosravi, Shamsi (2000). Hossein Kurd as Rostam Dastan. The Journal of Child and Adolescent Month Book, 34, 13-15.

Mahmoodi, Fataneh. (2008). Religious Themes in the Designs of Mazandaran Saqanefars. Journal of Art Month Book, 118, 80-87.

Mahmoodi, Fataneh. (2008). The Themes of Human Images in Mazandaran Saqanefars: A Comparative Study of the Motifs of <Shiadeh> and <Kordkola> Saqanefars. Journal of HONAR-HA-YE-ZIBA, 36, 67-76.

Mahmoodi, Fataneh. (2011). The Content of Mazandaran Art in Qajar period Case study: Saqanefars motife. Supervisor: Mohammad Tavosi. PhD Thesis. Art Research. Tarbiat Modares University: Tehran.

Majlisi, Mohammad Baqer. (2009). Bihar al-Anwar. Volume 5. Qom: Noure Vahy.

Miller, Richard. (1970). Barthes. New York: R. Hill & Wang.

Naghipourfar, Khadijeh & Jadidi, Naser. (2019). The Study of the Relationship between Fereydun and the Water Deity in Elam Civilization. Journal of Historical Researches, 1, 1-17.

Photo Archive of Cultural Heritage of Mazandaran province: 2016.

Rahimzadeh, Masoumeh. (2003). The Saqanefars of Mazandaran: An aspect from Religious Architecture. Tehran: Research Institute and Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran.

Razmjoo, Hossein. (1995). Literary Types and its Works. Third Edition. Mashhad: Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute.

Schunon, Frithjof. (1997). Principles and Criteria of Universal Art. Gholamreza Aavani. Proceedings of the Foundations of Spiritual Art, 89-128.

Shamisa, Cyrus. (2004). Literary Genres. Tehran: Ferdows Publishing.

Yalmeha, Ahmad Reza. (2016). The study of the origin of didactic poetic literature and its course of development in Iran. Didactic literature Review Journal, 29. 61-90.

Yousefnia Pashaei, Vahid. (2006). A Survey on Patterns on Shir-Sarr and Koomacheh-Sar in Mazandaran Saqanefar. Supervisor: Mohammad Tavousi. MSc in Art Research. Tarbiat Modares University. Tehran.

Yousefnia Pashaei, Vahid. (2006). Saqanefar and the Importance of Water, Shir-Sar and Koomacheh-Sar. Journal of Art Month Book, 93. 58-71.



Quran Talar in Babolkenar in Babol, Navaei Mahale in Babolsar, Navaei Kola in Lalehabad in Babol, Kardgarkola in Rudbast in Babolsar and Kija in Hamzeh Kola in Babol. The results show that, depending on the subject, the decorations fall into two religious and non-religious groups with the same or different contents. The analysis of the extracted statistics shows that religious issues are used more quantitatively than non-religious ones. The common contents used are respectively «Courage», «Fairness», «Jihad and Martyrdom or Fighting Cruelty» and «Justice» all of which are educational. The proportion of use of «common contents» in non-religious decorations is more than religious ones. On this basis, it seems that the basic cause of the formation and the most extensive general function of Saqanefars were their educational aspect and artists have expressed selected doctrines using a variety of religious and historical narratives. This approach seems to have been influenced by the social, political, religious, and climatic conditions of the formation period, and topics and themes have been selected to suit the needs of the time. Examination of field reports showed that according to the traditions of the region and according to the content of the decorations used, the audiences of these works were young boys and men, which confirms the above-mentioned opinion. Other religious and ritual usages of decorations have found meaning in the shadow of the educational function. Saqanefar is a valuable masterpiece of indigenous architecture and Shiite art that has almost unlimited capabilities for educational, religious and cultural functions and has significant historical, social and cultural values. In addition, this structure makes it possible to study the formation and re-creation of the moral values in a new structure based on the original and native Iranian architecture.

Keywords: Mazandaran Architecture, Didactic Literature, Saqanefar, Architectural Decoration

Reference:

- Abolghasemi, Seyyed Maryam. & Arezoumand Lialcol, Mostafa. (2010). Investigating Farhad,s Personality from Reality to Myth, *Journal of Humanities History of Literature*, 66, 6-22.
- Adel, Mohammad Reza. (1993). *The Comprehensive Dictionary of Names in Shahnameh*. Tehran: Sadough.
- Amouzgar, Jaleh. (2001). *Mythological History of Iran*, Third Edition. Tehran: Samt.
- Amouzgar, Jaleh. (2017). *From the Past of Iran*. Tehran: Moein.
- Anasori, Jaber. (1366). *Myths and Folk Culture of Iran*. Marand: Lunar Publishing.
- Atash Souda, Mohammad Ali. (2007). Study of the folk tale of «Hossein Kord Shabestari». *Journal of Mytho-Mystic Literature*, 8, 9-50.
- Bahrami, Ehsan. (1992). *Dictionary of the Words of Avesta*. By Fereidoon Joneidi. Tehran: Neyshabour Foundation.
- Burkhardt, Titus. (1997). *A View on the Principles and Philosophy of Islamic Art*. Translated by Seyed Hossein Nasr. *Proceedings of the Foundations of Spiritual Art*, 31-50.
- Dad, Sima. (2006). *The Dictionary of Literary Terms. A Glossary of Persian and European Literary concepts and terms*. Second Edition. Tehran: Morvarid.
- Dostkhah, Jalil. (1993). *Avesta*. Second edition. Tehran: Morvarid.
- Ferdowsi, Abolghasem. (2003). *Ferdowsi's Shahnameh Based on Moscow*. by Saeed Hamidian. First Edition. Tehran: Ghatreh Publications.
- Ghaemi, Farzad (2012). *A Mythological Study of the Battle between Mithra and The Initial Cow and Its Relation to the Symbolic Bull-shaped Mace*. *Adab Pazhuhi*, 21, 89-110.
- Hinnells, John Russell (1979). *Persian Mythology* (Jaleh Amouzgar & Ahmad Tafazzoli, Trans.).

Analytical Study of the Function of Mazandaran Saqanefars based on Themes of Decorations with an Educational Literature Approach

Ali Asghar Kalantar (Corresponding Author), Assistant Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

Received: 2020/1/12 Accepted: 2020/6/18



Throughout history, Didactic Literature has had a wide-ranging function and has dealt with ethics, religion, mysticism, consultation, politics, wisdom and more. The content of this literary genre has generally been created tailored to the social conditions, individual identity and creative abilities of the author. In the history of Iranian literature, there are so many brilliant examples of educational literature in the form of poetry and prose. «Qaboos Nameh» by Unsur al-Maali Kaykavus ibn Iskandar ibn Qabus, «Bustan» and «Golestan» by Saadi and «Masnavi Manavi» by Rumi are among the leading examples of educational literature. «Saqanefar» is a native and religious wooden structure in Mazandaran that was built with the influence of social and political developments of the late Safavid and Qajar periods. The original type of this wood structure was built in fields or adjacent to residential buildings to protect crops and in the process of becoming a religious and educational structure, it has undergone changes that gave it new meaning and function. Due to the weather conditions in Mazandaran, there are not many examples of the use of decorative forms in various independent art disciplines and architectural decorations. So, what has made the «Saqanefars» famous is not their wooden structure, but the motifs used to decorate them have attracted the attention of researchers. The Decorative motifs have been painted on thin wooden boards using a brush and using natural colors and have been installed under the ceiling. The wooden pillars of the structure have also been used as a surface for decoration. In this study, the decorations have been looked as visual texts that artists and founders have used them to convey their intended meanings. The aim of the present research is to scrutinize the basis for the formation, the objective of the production and the audience of the Saqanefars in order to identify the reason for their construction. This research questions the extent to which religious and non-religious designs are related to, and connected with the didactic teachings. The research hypothesis is that the main purpose of the creators of Saqanefars was to establish a didactic construction with the objective of conveying moral and ethical teachings, thus the ornamentations had been selected, implemented and executed with regard to a didactic/educational approach. The method of this research is descriptive-analytical and the function of the motifs has been analyzed based on their content. Data was collected by library research method. The Saqanefars studied in this study are Armij Kola in Babil, Ahangar Kolai in Ghaemshahr, Espi Kola in Babolsar, Shahidabad (Baei Kolai) Western Bandpey in Babol, Taligaran Lalehabad in Babol, Jazin in Imamzadeh Abdullah Fereydoonkenar, Hamzeh Kola Shesh Pol in Babel, Khoshkrud Rudbast in Babolsar, Ramenet in Babol, Sharmeh Kola Rudbast Babolsar, Shiyadeh Western Bandapi in Babol, Aliabad in Babolsar, Aliabad Sorkhrud in Mahmoudabad, Foolad Kola Rudbast Babolsar, Valik Rudposht in Rudbast in Babolsar,